

وب سایت استاد موسوی



تاریخ روز : ۲۱/ ۰۲/ ۱۳۹۷

تاریخ ثبت : ۲۹ خرداد ۱۳۹۵

عنوان : رد تناسخ از دیدگاه قرآن

«بسمه تعالی»

رد تناسخ از دیدگاه قرآن

«رد تناسخ از دیدگاه قرآن عظیم و عقل سلیم»

پس از مدت‌ها زمان با شیوه‌ها و منابع گوناگون که در این سایت میهمان شما بیننده بودیم و انشاء... خواهیم بود، گو این که میهمان را میزبان به مائده‌ای دعوت می‌نماید، اما ما عکس آن را نهادیم و ما یعنی ما میهمان، مائده‌ای به شما میزبان به نام حیثیت و قانون تناسخ تقدیم می‌نماییم. به انتظار شنیدن و دیدنش باش

فی ابطال تناسخ النفوس و الارواح ... اعلم ان هذه المسألة من مزال الاقدام و مزالق الافهام در ابطال تناسخ نفوس و ارواح بیان شد این موضوع از مزال اقدام و مزالق افهام است. یعنی به لرزه آمدن جسم فهم.

منشأ تناسخ از چه زمانی است؟

جواب: طبق بعضی نظرات از زمانی دور همانند دوران پیامبران سلف چون ابراهیم و قبل از ابراهیم و بعد از ابراهیم تا آغاز اسلام و از اسلام تا کنون. یعنی انبیاء آمدند رد تناسخ را نمودند. افلاطون، سقراط، فیثاغورث کسانی بودند که تناسخ را پایه‌گذاری نمودند و تعدادی دگر که از ذکر نامشان خودداری می‌شود.

تحقیقات محقق و فیلسوف متأله حضرت استاد موسوی در کلمه ناسخ:

برای ورود به اصل مبحث تناسخ ابتدا تمام شقوق (ن س خ) را باید بیابیم.

آن که حرفی به حرفی از روی چیزی بنویسند یعنی نسخه برداری کنند، این را ناسخ گفته‌اند. کتابی را از روی کتابی بنویسند، ناسخ است.

باطل کننده حکم سابق. یعنی کسی کتابی نوشته بعد از مدتی دیگری می‌آید می‌نویسد یا بیان می‌کند که کتاب قبلی مطلبش درست نبوده، این ناسخ است.

حالا آیا این که می‌گویند درست نبوده آیا آن جمله اول را محوش می‌کند؟ پاکش می‌کند؟ یا نه، تغییرش می‌دهد؟ خود کلمه هست ولی چیزی دراو کم یا زیاد می‌ماید. یعنی آیا ناسخ ماقبل را محو می‌کند؟ یا تغییر می‌دهد؟ چه تغییر بدهد یا محو کند هر دو نسختند.

گاهی ناسخ انتهای حکم شرعی که حکم آن تمام شده او را منسوخش نامند مثل همان داستان ابراهیم و ذبح گوسفند به جای ذبح ولدش.

(حضرت استاد: ما خودمان داستان ابراهیم و ذبح ولدش را نسخ در قرآن نمی‌دانیم ما مقتضی می‌دانیم نه نسخ در قرآن. یعنی فرمان تا همان جا بود. زیرا نسخ علامت جهل است. ناسخ کسی است که ابتدا موضوعی را می‌نویسد بعد می‌گوید درست نیست نسخش می‌کند ولی در حق جهل راه ندارد. دو اصل را می‌پذیریم: 1. مقتضی موجود 2. موانع مفقود. که در جای خود توضیح داده شده).

اصل نسخ زائل شدن یا ربودن است.

عبارتی است :

نسخت الشمس ظلّه

خورشید سایه را برد یعنی برش داشت، این نسخ است.

نسخه الشیب شابه

پیری جوانی را نسخش کرد.

بیچاره کردن او؛ یعنی ناسخ منسوخ را از قدرت می‌افکند.

چیزی را به جای چیزی نهادن .

برگردانیدن چیزی از صورتی و زشت نمودن آن

اما اصل دیگر نسخ، منتقل شدن روح انسان بعد از مرگش به جسم دیگری است.

هم اکنون به اصل معنی نسخ وارد شدیم اگر مایلید تناسخ را به خوبی در حد خودش دریابید، به انتظار تحقیقش

باشید.

منبع: از سلسله مباحث تحقیقی فیلسوف متاله استاد سید علی موسوی